

تأثیرپذیری سب‌رس وجهی از حسن و دل و دستور عشاق فتاحی نیشابوری

دکتر ابوالقاسم رادفر

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد جیرفت

چکیده

فروپاشی حکومت بهمنیان^(۱) و شکل‌گیری حکومت قطب‌شاهیان^(۲) در دکن - که خود در اصل ایرانی بودند - موجب شد که خاندان‌های فراوانی از ایران به جنوب هند (دکن) کوچ کنند. یکی از این خاندان‌ها، خانواده «وجهی» است. وجهی - ملک الشعراء دربار قطب‌شاهیان، شاعر و نویسنده و الامقام اردو و صاحب دیوان فارسی معروف به *مغالب دکن* - نخستین نثرنگار اردو است که کتاب *سب‌رس* او را اولین اثر منثور ادبی اردو می‌دانند. وجهی *سب‌رس* را وسیله‌ی اساسی مشاهده و بیان تجارب انسانی قرار داده است. با اینکه *سب‌رس* نخستین اثر منثور ادبی اردو و اولین تمثیل صوفیانه به حساب آمده است، آفریده ذهن و وجهی نیست، بلکه از قصه *حسن و دل* محمد یحیی بن سبک فتاحی نیشابوری و مثنوی *دستور عشاق* او مأخوذ است. در مقاله حاضر درباره تأثیرپذیری وجهی از فتاحی نیشابوری و ویژگی‌های دو اثر و نیز از متأثر بودن فتاحی در قصه *حسن و دل* از *پربوده چندرودی*، بحث شده است.

کلید واژه‌ها: وجهی، فتاحی نیشابوری، سب‌رس، حسن و دل، دستور عشاق، پربوده چندرودی، تأثیرگذاری، سبک و زبان.

مقدمه

با استقرار حکومت بهمنیان - که بعضاً خود را از نژاد بهمن پسر اسفندیار می‌دانستند - در هند جنوبی (دکن) در سده هشتم هجری قمری به دلیل مهاجرت شخصیت‌های برجسته سیاسی، علمی، ادبی، فرهنگی و هنری ایرانی به این سرزمین، روز به روز زبان و ادبیات فارسی و فرهنگ و تمدن ایرانی در این منطقه گسترش و رونق قابل ملاحظه‌ای پیدا کرد. میزان این نفوذ به حدی بود که هنوز هم آثار و بقایای آن چون مدرسه محمود گاوان گیلانی در شهر بیدر وجود دارد. مدرسه‌ای که حاکی از نفوذ و نبوغ شخصیتی ایرانی چون محمود گاوان و فرهنگ عمیق ایرانی در این بخش از سرزمین هند است.

پس از انقراض سلسله بهمنی و تشکیل پنج سلسله مستقل قطب‌شاهی، نظام شاهی، عادلشاهی، بریدشاهی و عمادشاهی به دنبال آن، نه تنها رشد زبان و ادبیات فارسی در این بخش از سرزمین پهناور هند کم نشد، بلکه روز به روز بر دامنه شکوفایی آن، به‌ویژه در دوره قطب‌شاهی، افزوده شد.

سلسله قطب‌شاهی که سلطان قلی قطب‌الملک ایرانی در سال ۹۲۴ ق. / ۱۵۱۸ م. آن را بنیاد نهاد تا سال ۱۰۹۸ ق. / ۱۶۷۸ م. که اورنگ‌زیب آن را منقرض کرد، یکی از ادوار درخشان تاریخی - فرهنگی و شکوفایی تهذیب و تمدن در جنوب هند است. کارنامه درخشان علمی و فرهنگی - ادبی و هنری این دوره که تأثیر فرهنگ ایرانی - اسلامی را به‌وضوح در آن می‌بینیم، یادگاری از میراث مشترک فرهنگی ایران و هند، به‌ویژه دکن است که سهم ایرانیانی که به دکن آمده بودند در آن بسیار قابل توجه و مهم است.

یکی از شخصیت‌های برجسته ادبی در این دوره اسدالله وجهی است که خانواده او از خراسان به این سرزمین آمدند. وجهی در دکن به دنیا آمد، مراحل کمال را طی کرد و در طول حیات خود خوش درخشید.

ملا اسدالله وجهی در ادب اردوی قدیم به لحاظ شخصیت و مقام شعر و نثر

همان پایگاهی را دارد که «غالب دهلوی»، شاعر ذواللسانین اردو و فارسی در زبان و ادب اردوی جدید به دست آورده است. از این رو او را «غالب دکن» نیز می‌گویند. اگرچه شمار افراد صاحب‌نام در ادب اردو بسیار است، و جهی در ادب اردو شرف و اعتبار اولین فرد را دارد. او نخستین نثرنگار اردو است که انشائیة^(۳) و ناول^(۴) نوشته است.

سبرس در کارنامه آثار مثنوی، اولین شاهکار نثر ادبی اردو است و افزون بر این، و جهی نخستین ادیب اردو است که سبرس را وسیله اصلی و اساسی مشاهده و بیان تجارب انسانی - که لازمه ادب است - قرار داد.

وی همچنین اولین نقاد در ادب اردو است، زیرا قبل از همه در کتاب **قطب مشتری**، معیارها و اصول نقد شعر و شاعری را بیان کرده است. این اصول به حدی با سلامتی ذهن و توزان فکری همراه است که امروزه نیز به عنوان پایه‌های اساسی در نقد ادبی اردو اعتبار دارد. بر این اساس، همان مقامی را که ارسطو در جهان ادب دارد، و جهی در ادبیات اردو کسب کرده است.

سلطنت قطب‌شاهی در دکن دوره عروج شخصیت‌های هنرمند و متفکر است. و جهی از لحاظ افکار، عقاید و افعال، نماینده و ترجمان تهذیب و تمدن دوره قطب‌شاهی محسوب می‌شود. از این رو وجود اطلاعات درباره حیات چنین هنرمند ارزنده‌ای مایه فخر و سعادت زبان اردو است. (رضیه اکبر، ۱۹۸۲: ۵۶)

درباره و جهی وقایع بسیار و صور حال مختلف است. در کتابخانه موزه سالار جنگ حیدرآباد، نسخه‌ای از دیوان و جهی محفوظ است که اگرچه ناقص و کرم‌خورده، بدون تاریخ‌نگارش و نام نگارنده است و اول و آخرش افتاده، کتابی ارزشمند و حاوی اطلاعات تازه است که در مآخذ دیگر چنین اطلاعاتی یافت نمی‌شود.

پیش از همه محققان، مرحوم «اختر حسن» (متوفای اواسط سپتامبر ۱۹۹۵ م.) این دیوان را معرفی کرده، و سپس «نورالسعید اختر» در کتاب **تاج الحقایق** بر اساس

آن دیوان، طرحی از سوانح حیات وجهی به دست داده است. در دوره معاصر، نخستین فردی که درباره اسدالله وجهی - ملک الشعرا دربار محمدقلی قطب شاه - به طور جدی تحقیق کرده، مرحوم مولوی عبدالحق - پدر زبان اردو - است که کتاب‌های *سبرس و قطب مشتری* را با مقدمه‌هایی محققانه به چاپ رسانده است. از بیانات ایشان چنین برمی‌آید که این شاعر و نویسنده عالی مقام عمری طولانی یافت. از زمان ابراهیم قطب شاه تا زمان عبدالله قطب شاه در قید حیات بوده و به نظر می‌رسد دوران چهارتن از حکمرانان قطب‌شاهی را دریافته است. (همان، ص ۶)

وجهی در جای‌جای اشعارش به طبع خراسانی خود اشاره کرده است و می‌گوید:

من ز هند آشکار گشتم لیک طبع پاک من از خراسان است
یا:

شعر نادر معنی‌ام می‌رفت در شیراز اگر
همچو حافظ شهره ملک خراسان می‌شدم
وجهی پس از فوت محمدقلی قطب شاه در زمان جانشین او، سلطان محمد قطب شاه، (برادرزاده و داماد محمدقلی قطب شاه) مورد بی‌مهری قرار می‌گیرد و از این رو اشعار گلایه‌آمیز می‌سراید. شاید علت این بدبینی و از نظر افتادن وجهی از دید پادشاه جدید، این باشد که «اسدالله وجهی اهل عیش و عشرت بود و دوستدار می و معشوق، ولی سلطان محمد قطب شاه بر عکس محمدقلی قطب شاه، مردی بود خیلی پرهیزکار، پایبند شرع و متقی...». (همان، ص ۵۸-۵۷)

به هر حال، وجهی در دوران پانزده ساله حکومت سلطان محمد قطب شاه در نهایت تنگدستی و آزردگی در گوشه تنهایی به سر برد تا اینکه در سال ۱۰۳۵ با به تخت‌نشینی عبدالله قطب شاه ستاره بخت او دوباره درخشیدن گرفت و شاعر از تنگدستی و عسرت نجات یافت و مجدداً سرآمد شاعران شد.

در این زمان بود که وجهی، سبرس را به زبان اردوی دکنی نوشت. البته او صاحب دیوان فارسی هم بود که در ایران ناشناخته مانده است.

اگرچه وجهی در هند نشو و نما کرد، به زبان فارسی تسلط کامل داشت و به ویژه در فنّ غزلسرایابی صاحب طبعی روان و ذوقی لطیف بود. رضیه اکبر می نویسد:

وی یکی از شاعران بسیار توانا و معروف دوره قطب شاهی است. دارای امتیاز خاص و رنگ مخصوص است. دلدادۀ کمال اسماعیل، حافظ شیرازی، حسن دهلوی و خسرو دهلوی به نظر می آید و بیشتر از ایشان پیروی نموده... (همان، ص ۶۰)

مولوی عبدالحق در مقدمه مبسوطی که بر سبرس نوشته، درباره آن چنین اظهار نظر کرده است:

سبرس نه تنها اولین نثر اردو است، بلکه اولین تمثیل^۱ صوفیانه هم به حساب می آید.^(۵) در آن نشانه‌های مختلف است که مسائل تصوّف بسیار دلچسب و با سبکی همه فهم در آن گنجانده شده است. از مطالعه این داستان این اندازه معلوم می شود که وجهی در شعر فارسی و اردو، هر دو، توانا بوده و عالم عربی و فارسی نیز بوده است. همچنین در زبان‌های گجراتی، مرهتی (زبان ایالت مهاراشترا با مرکزیت بمبئی)، برج بهاشا، دهلوی صاحب آگاهی بوده است چون که وجهی در سبرس، اشعار، اقوال، محاورات و ضرب‌المثل‌های این زبان‌ها را به کار برده و به مناسبت‌ها از آیات و احادیث نیز بهره گرفته است. (سبرس، انجمن ترقی اردو، هند، ۱۹۳۲، مقدمه).

قصه سبرس آفریده ذهن وجهی نیست، بلکه از قصه حسن و دل، اثر شاعر فارسی محمددیحیی بن سبیک فتّاحی و مثنوی دستور عشاق او مأخوذ است.

«هرمان اته»، حسن و دل فتّاحی را نمونه واقعی رمان‌های استعاره منثور فارسی می داند و در این باره می نویسد:

حسن و دل منسوب به فتّاحی... است و تخلص فتّاحی در واقع مقلوب آن است که فتّاحی باشد. این شخص در غزلیات خود «اسراری» و «خماری» هم تخلص می‌کرده. وی در نیشابور به دنیا آمد و در عهد سلطان شاهرخ (۸۵۰-۸۰۷ ه.ق) می‌زیست و شهرت علمی و ادبی داشت و غالباً گوشه‌گیر بود تا اینکه در سال ۸۵۳ درگذشت. موضوع رمان روان‌شناختی و مستعار او در ظاهر موضوعی است نماینده طبیعت انسانی، ولی در باطن مانند شعرای سلف و خلف او مشعر به مسائل عرفانی است و از شوق صوفی برای وصال الهی بحث می‌کند... به «حُسن» یا زیبایی که دختر «عشق» است و در سرزمین «دیدار» حکومت دارد عشق می‌ورزد. در آنجا گلزار «رخسار» است که از سرچشمه «خم» (دهان) آب حیات جاری است. شبی «دل» از هجران یار و آزار وی بیدار می‌شود و خدمتکار خود را که «نظر» باشد به جست‌وجوی معشوق می‌فرستد. درحقیقت با این واقعه داستان را آغاز می‌کند و مطالب لطیف نغمه‌زمن آن ذکر می‌شود تا اینکه دو عاشق (یعنی دل و حسن) بعد از سرگردانی‌ها و راه‌گم‌کردن‌ها به وصال هم می‌رسند. در این راه بسیاری از شخصیت‌های مستعار به دو عاشق کمک می‌کنند که از آن جمله است «خیال» که آینه‌دار «حسن» است... (اته، ۱۳۷۶: ۲۳۹ - ۲۳۸)

نکته جالب‌تر اینکه دکتر «نورالسعيد اختر» کشف کرده است که حسن و دل آفرینش فتّاحی نیست، بلکه آن هم مأخوذ از درام مشهور «کرشن مشر» به نام **پربوده چند رودی** است^(۶) که فتّاحی از آن سود برده است. جالب این است که فتّاحی همچون وجهی اصل مأخذ را ذکر نکرده است.

در دوره «کرشن مشر» این نمایشنامه بسیار مشهور بوده است. «گارسن دتاسی» در مقاله خود مأخذ چندی آورده و نتیجه گرفته است که این داستان براساس **پربوده چند رودی** است. (*خطبات گارسن دتاسی*، انجمن ترقی اردو، اورنگ‌آباد دکن، ص ۲۴۱؛ به نقل از اعظمی، ۱۹۹۲: ۱۱۶)

«منظر اعظمی» باتوجه به مأخذ آلمانی، انگلیسی، فارسی، ترکی، گجراتی،

مرهتی و دکنی، ۳۸ کتاب را معرفی کرده است دالّ بر اینکه قصه سبرس مأخوذ از نمایشنامه *پر بوده چندرودی* است. (به نقل از اعظمی، ۱۹۸۶: مقدمه خلیق انجم، ص ۱۲-۱۱، به اختصار)

پیش از همه آثار نثری غیر مذهبی در اردو و اولین نمونه کامل در تمثیل‌نگاری تصنیف شاهکار *سبرس* است. اگرچه کتاب‌ها و رساله‌های بسیاری بعد از آن نوشته شده است، ولی *سبرس* افتخار کسب مقام اول را دارد. اگر هم اثری قبل از *سبرس* در زمینه تمثیل نوشته شده تا امروز معلوم نشده است. اگرچه «*احسن مارهروس*» نوشته است که در زبان اردو اولین اثر نثر تصنیف *معراج العاشقین* اثر خواجه بنده‌نواز گیسو دراز است. (احسن مارهروس، ۱۹۳۰: ۳۴)

و جهی را بنیانگذار نثر غیر مذهبی هم می‌دانند: در ادب داستانی اردو نیز *سبرس* نه تنها اولین اثر، بلکه یک شاهکار است. این اثر افزون بر اینکه در بردارنده پند و موعظه است، سبکی مسجع، مقفی، مصنوع و شکفته دارد و به قول «گیان‌چند» (خالق کتاب)، «در زبان اردو، یک انشاپرداز معمولی نیست، بلکه او کسی است که در صدها سال تاریکی آغازین زبان اردو، با خلق *سبرس* چراغ روشنی را بر افروخت که نور آن تا جاهای دور پراکنده بود.» (گیان‌چند، ۱۹۸۷: ۱۳۰)

سبرس را کتابی به‌شمار آورده‌اند که سبب نجات دین و دنیای هر دو گروه هند و مسلمان از یک مسیر واحد است.

دستور عشاق را در سال ۱۹۲۶ م. آر. ایس - گرین شیلدس در مطبع آفتاب برلن چاپ کرد. شیلدس مقدمه پر محتوایی هم بر آن نوشت. مولوی عبدالحق هم مقاله‌ای درباره *سبرس* در رساله اردو (جلد چهارم، بخش شانزدهم، اکتبر ۱۹۲۴ م.) منتشر کرد. وی همچنین در سال ۱۹۳۲ م. *سبرس* را تدوین کرد و با استفاده از مقدمه «گرین شیلدس» بر *دستور عشاق*، مقدمه عالمانه‌ای نیز درباره آن نوشت و آن را به چاپ رساند. برخی *حسن و دل* را خلاصه نثری *دستور عشاق* دانسته‌اند. گرین شیلدس، *حسن و دل* را کتاب مسجع مشتمل بر ۴۰ سطر می‌داند، ولی «گیان‌چند»

آن را دو کتاب دانسته است و می‌نویسد:

این حقیقت است که وجهی هر دو کتاب *دستور عشاق* و *حسن و دل* را پیش نظر داشته ولی *حسن و دل* بیانات سرسری *دستور عشاق* است که خالی از تفصیل است (همان، ص ۱۲۴).

البته این نکته قابل انکار نیست که وجهی در بعضی جاهای *سبرس* نیز از تفصیلات *دستور عشاق* احتراز کرده است. *دستور عشاق* چاپ شده، چهارصد و شانزده صفحه و پنج هزار بیت دارد، در حالی که قصه *حسن و دل* فقط مشتمل بر ۴۰ سطر است. ممکن نیست که حدود ۳۰۰ صفحه چاپ شده *سبرس* خلاصه یک کتاب ۴۰ سطری باشد. سؤال این است که آیا وجهی بیانات و پند و موعظه‌های طولانی را به اصل داستان اضافه کرده و قصه *سبرس* را براساس ۴۰ سطر آفریده است؟ به هر حال، این سخن چندان مهم نیست که وجهی از *دستور عشاق* فتّاحی استفاده کرده یا از *حسن و دل*، یا هر دو، بلکه آنچه اهمیت دارد، این است که در جای جای *دستور عشاق* و *سبرس* در واقعات و بیان خفیف و جلی، اختلافاتی هست. حال این نکته باقی می‌ماند که وجهی در *سبرس* هوشیارانه به ذکر حضرت خضر (س) پرداخته، ولی تشریحات آن را حذف کرده است.

دستور عشاق و مأخذ آن

مصنّف *دستور عشاق* محمدیحیی بن سبیک فتّاحی نیشابوری است که در زمان حکومت شاهرخ میرزا می‌زیسته است. گرین شیلدس تاریخ وفات او را (۸۵۲ هـ. / ۱۴۴۸ م.) نوشته، در حالی که مطابق قول حاجی خلیفه فوت او در سال (۸۵۳ هـ.) بوده است (شیلدس، ۱۹۲۶).

دولتشاه سمرقندی علم و فضل او را بیان داشته و به درویشی و بی‌نیازی او اشاره کرده است. خود فتّاحی در *شبستان خیال* گوشه‌نشینی اش را یادآوری کرده و «سروری»، شاعر ترک، شرحی به زبان ترکی بر *شبستان خیال* نوشته و یک شاعر

دیگر ترک به نام «عمری» از آن تقلید کرده است.

«گرین شیلدس» می‌نویسد:

او *شبستان خیال* را پس از *حسن و دل* نوشته است و درباره *حسن و دل* می‌گوید که

مطلع و مقطعش حلّ دقایق عشق‌بازی است. (همان)

شبستان خیال تصنیف فتّاحی در نظم، خلاصه *دستور عشاق* است. البته *حسن و دل* در نثر مقفّی است که ذکر مسوده‌های متعدد آن را ریو^۱ در *فهرست مخطوطات فارسی بریتیش میوزیم* آورده است. مطابق نوشته «گرین شیلدس»، این رساله سه بار چاپ و ترجمه شده است. دوبار به انگلیسی که اوّل «آرتور ویلیام پرایس» در سال ۱۸۲۸ م. آن را منتشر کرده و سپس «رودلف دوراک»^۲ آن را پس از مقابله و تصحیح با سه نسخه دیگر به همراه متن در سال ۱۸۸۹ م. به چاپ رسانده است.

«دوراک» نیز در اروپا اوّلین کسی است که ضمن ترجمه و انتشار متن *حسن و دل*، سوانح عمری فتّاحی را نیز مدوّن کرده است. وی مقاله‌ای هم درباره داستان نوشته و با خلاصه *حسن و دل* لامعی، شاعر ترک، (متوفای ۹۳۸ هـ. / ۱۵۳۱ م.) مقابله کرده است. (عزیز احمد، *سبرس - کی مآخذ اور مماثلات*، ص ۱۰ - ۹)^(۷)

نظر «ای. جی. الیس»^۳ این است که فتّاحی ابتدا مثنوی *دستور عشاق* را نگاشته و سپس براساس آن به طور خلاصه قصه منثور *حسن و دل* را پدید آورده است (از مقدمه انگلیسی گرین شیلدس بر دستور عشاق، چاپ برلن).

«گرین شیلدس» همچنین از یک نسخه دیگر فارسی *حسن و دل* یاد کرده که آن را خواجه محمد بیدل (۱۰۹ هـ. / ۱۶۸۳-۴ م.) در عهد شاه عالمگیر نوشته و به او اهدا کرده است. اته، یادآوری می‌کند که خواجه محمد بیدل ظاهراً همان «عبدالقادر بیدل» معروف است. (اته، ۱۳۵۶: ۲۳۹) حقیقت این است که این داستان تمثیلی به صورت‌ها و راه‌های گوناگون به هندوستان آمده است.

نام نویسنده *دستور عشاق* در صفحات ۳۳، ۳۰۸، ۴۰۹ و ۴۱۲ ذکر شده است و مطابق نقل «گرین شیلدس»، تاریخ نگارش این کتاب به حساب ابجد «دار خرم»، یعنی ۸۴۰ هـ / ۱۴۳۹ م. است، چنانکه از دو بیت زیر برمی آید:

بپایی روضه بستان عالم چو تاریخ تمامش دار خرم
(از مقدمه *دستور عشاق*)

اما در اصل کتاب، چنین آمده است:

پی این روضه بستان عالم چو تاریخ تمامش دار خرم
حسن و دل داستانی است که در پس پرده، حکایت اسرار و معارف کرده است.
«نورالسعید اختر» در مقاله خود اظهار داشته که سبک اثر فتّاحی به طرز پر بوده
چندرودی «کرشن مشر»، درام نویس مشهور سانسکریت، در سده یازدهم میلادی
است که آقای «دیوی سنگه چوهان» آن را در ماه آوریل ۱۹۶۱ م. چاپ کرده است.
به قول «دیوی سنگه چوهان»، *پر بوده چندرودی* در سرزمین‌ها و زبان‌های مختلف،
به‌ویژه زبان گجراتی اثر بسیار گذاشته و براساس این نظر، فتّاحی نیز آن را دیده و
تحت تأثیر آن قرار گرفته است و به قول نورالسعید اختر، «کرشن مشر» پیشرو فتّاحی
است و از اشعاری که در *دستور عشاق* آمده است این فکر تقویت می‌شود که فتّاحی
از اثر «کرشن مشر» استفاده کرده است.

فتّاحی در آغاز کتاب (ص ۴) چنین سروده است:

به هندوستان شنیدم برهمن هست که در عشق بت افشاند ز جان دست
چو سوزد بت بسوزد خویشتن را بسوزد پیش رویش برهمن را
شود هندوی انگشتی در آتش که دارد با بت زرین دمی خوش
در مجموع دربارهٔ اقتباس فتّاحی نتیجه‌گیری شده است که وی از نظر فرم،
سبک، تأثیر تصوّف و فراوانی ثروت و شادابی هندوستانی از ماحصل فکر و سبک
یک برهمن استفاده کرده است.

اختلافات دستور عشاق و سبرس

هیچ شکی نیست که جهی در سبرس از قصه حسن و دل تقلید کرده است و قصه حسن و دل هم تلخیص دستور عشاق است. بنابراین، اختلافات بین واقعات دستور عشاق و سبرس نیز جزئی است. تنها اختلاف اساسی در سلسله بیان واقعه است و مجموعه واقعات دستور عشاق بر قالب سبرس اثرگذار نبوده است. در بیشتر مواقع بیان فتاحی حکیمانه است، ولی جهی بی مورد داستان را مختصر کرده و از جانب خود پند و موعظه در آن آورده است. بدین سبب شایسته است که این اختلافات بررسی شود.

مولوی عبدالحق به هنگام تدوین سبرس بحث دستور عشاق و قصه حسن و دل را به مناسبت پیش می‌کشد و چنین نتیجه می‌گیرد که جهی فقط حسن و دل فتاحی را که به نثر است در دست داشته و از این نظر دستور عشاق مورد توجه او نبوده است. (مقدمه سبرس، ص ۱۵)

بر این قیاس وجوه اختلافات به شرح زیر است:

۱. ذکر امور در دستور عشاق مفصل، ولی در حسن و دل خلاصه است. جهی هم تفصیل به کار نمی‌برد.
۲. وقتی که عروسی حسن و دل برپا می‌شود، فتاحی با دف، چنگ، گل، بنفشه، نرگس و کاسه چینی، مناظر پر لطفی عرضه می‌کند، در صورتی که در قصه حسن و دل و سبرس از این دو خبری نیست.
۳. در سلسله وقایع نزدیک عروسی قامت و زلف و دیگر امرا دعوت می‌شوند، در حالی که در سبرس چنین نیست.
۴. جهی در گلشن رخسار، ملاقات خضر را ضمن بیان چند سطر تمام می‌کند، در صورتی که در دستور عشاق، خضر، دل را معنی و معرفت تلقین می‌کند.
۵. در سبرس خاتمه قصه مبهم است، در حالی که فتاحی در دستور عشاق از زبان خضر، تمام اسرار حقیقت را بازگو می‌کند.
۶. فتاحی در نامه‌هایی که از جانب حسن به دل و دل به حسن می‌نویسد، آنها را

و سیله قرار می دهد و به نهایت درجه از صنایع و بدایع بهره می گیرد، در صورتی که سبرس از این صنایع بدیع خالی است.

۷. در سبرس عقل ملک سیستان است، در حالی که در حسن و دل ملک یونان است.

۸. در دستور عشاق در بارگاه حسن مکالمات دلچسب روی می دهد، ولی در سبرس چنین مکالماتی وجود ندارد.

۹. در دستور عشاق سخن های مؤثر در بیان حقایق و معارف وجود دارد، در صورتی که در سبرس یکی دو کلام بیشتر در این باره نیامده است.

۱۰. در ملاقات عقل و عشق (یا دل) در دستور عشاق تعاریف مناسب در ستایش این دو آمده است، در حالی که در سبرس چنین نیست.

مولوی عبدالحق براساس موارد فوق نتیجه می گیرد که وجهی صرفاً حسن و دل را پیش نظر داشته و دستور عشاق مد نظر او نبوده است.

از مطالعه تفصیلی دستور عشاق و سبرس معلوم می شود که فتّاحی واقعات را به سبک حکیمانه بیان کرده، ولی وجهی در بعضی جاها غیر حکیمانه رفتار کرده است و احساس می شود که او وقتی نفس واقعه را در یکی دو جمله بیان کرده و نصایح بسیار از خود آورده، طبیعی است که بیانات غیر فطری جای عبارات مناسب را بگیرد. همچنین هر دو از آیات و احادیث دلیل آورده اند، با توجه به این نکته که وجهی از محاورات و امثال دکنی سود جسته و فتّاحی از تشبیهات و استعارات فارسی بهره فراوان گرفته است.

مولوی عبدالحق این مثنوی حماسی را به خوبی ستوده و یادآور شده است که زبان شسته، بیان بسیار پاک و صاف، اندیشه عالی و اشعار چست و روان است، اگرچه با صنایع و بدایع آمیخته است، همان طور که از دیگر تصانیف او برمی آید. ولی او در مثنوی دستور عشاق پارا از جاده اعتدال بیرون نگذاشته است.

بیان فتّاحی در توصیف اسباب زفاف، شکوه و شکایت، ناز و نیاز، بوس و کنار و

وصل بسیار فنی و صنعت‌گرانه است:
 دو بی‌دل هر دو لب بر هم نهادند
 دهانِ جان به شیرینی گشادند
 دل القصّه همه شب تا سحرگاه
 همی زد راه خواب از عیش دلخواه
 چو شمعش در قیام آن شب به سر شد
 ز شب‌خیزی شب بختش سحر شد
 وجهی تمام واقعات را به‌طور مختصر بیان می‌کند. او همچون فتّاحی دهان را
 چشمه آب حیات نشان داده، ولی فتّاحی آن را زیاده روشن و خوب بیان کرده و
 دهان را چشمه و سخن را آب حیات آورده و چنین توصیف کرده است:

سخن روح‌الله پاک است در اسم
 سخن درّی است از دریای اعظم
 سخن باران فیض ذوالجلال است
 سخن علم لدنی را نشان است
 سخن آب حیات است از کرامت
 سخن دارد زجان سرچشمه نوش
 سخن از فتح فتّاحی فتوحی ست
 ز حق القای او با مریم جسم
 سخن نوری است در مشکات آدم!
 نزولش ز آسمان لایزال است
 که از تعلیم علمه‌البیان است
 وزوزنده‌ست تا روز قیامت
 سخن جان دارد از من در سخن گوش
 که هر بالای ازو مفتاح روحی ست
 (نقل از مقدمه مولوی عبدالحق بر سبرس)

سبرس وجهی ثمره اکبر یا نتیجه بزرگ مواصلت پاکیزه حسن و دل است.

سبرس، یک تمثیل موفق

هر تمثیل دارای دو رویه است: ظاهری و باطنی. در تمثیل خواننده از ظاهر به باطن هدایت می‌شود. سبرس در اردو یک تمثیل زیبا است. سبک و روش نگارش واقعات - افزون بر کشمکش عشق و عقل و گزارش داستانی حسن و دل که دلچسب بنا شده - و ترتیب و ارتقای سبرس هم مرهون دستور عشاق و حسن و دل است. سبک سبرس بدون شک همان روش دستور عشاق و حسن و دل است. موضوع آن هم جست‌وجوی آب حیات است و روابط ازلی عشق و دل را به روشنی بیان

می‌کند. دل منبع عشق است، ولی عشقی که با حسن هماغوش است و ناگزیر است از منزل‌ها و مراحل مختلف بگذرد. فراق و وصال یک کشمکش مجازی نیست. حقیقت نیز امتیاز است. گذشتن راه سلوک و معرفت نیز دشوار است و بیابان‌ها و مراحل را باید گذر کرد. راه قیس و فرهاد نیست، راهی است که شبلی و بایزید نیز از آن گذر کرده‌اند. در حقیقت و مجاز، فانی و لافانی البته فرق هست، با وجود این، نقش هر دو بر جریده عالم ثبت است. سبک سبرس عاشقانه و داستانی است و در آن جذابیت زیادی وجود دارد.

«گیان چند» حسن و لطافت سبرس را حسن انسانی و بیان کیفیت‌های عشق مجازی می‌داند که در آن پوشیده است و اندیشه آن در رشته مقدس عرفان محصور است.

رفیعه سلطانه می‌نویسد: «سبک قصه‌های نثری و جهی امروزه نایاب است و لیکن و جهی نثر اردو را ارتقا داده». (اردو نثر، کا/غاز و ارتقا، بی تا، ص ۲۴) گیان چند هم این نظر را دارد و سبرس را اثری می‌داند که و جهی به سبک آن بیش از پیش توجه کرده و نثر را در آن به اوج رسانده است و می‌توان آن را در زبان اردو اولین کوشش در انشاپردازی داستان دانست. (احسن مارهروس، ۱۹۳۰: ۱۲۷) وی همچنین می‌افزاید: شکی نیست که این عشق مجازی یک تمثیل بسیار خوب نیز هست. محبت، رشک، فراق و وصال را به بهترین صورت تصویر کرده است. از واقعات عشقی عام و افسانه، مثلث ابدی محبت بنا نهاده است.

و جهی در سبرس به زندگی شکل مجسم داده است. یعنی بدن یک صحنه است و در آن احساسات و گرایش‌های مختلف و متضاد در پیکار به نظر می‌رسند. انسان واقعاً گهواره سرشت‌های مختلف و متضاد است. عقل، جذبات، احساسات، نفسیات، شعور و لاشعور، خواهش‌های مختلف و متضاد و... در راه زندگی، سنگ‌های گران‌چندی وجود دارد.

و جهی مراحل مختلف سلوک و طریقت را تصویرسازی و کشمکش بین

روحانیت و مادیت را عکاسی کرده است. این رساله بهترین نمونه کشمکش انسانی در خواهش دنیا و خواهش عقبی است. داستان تجسم صفات و جذبات است. (اردو نثر، کاغاز و ارتقا، بی تا، ص ۲۵۴-۲۵۵)

دکتر گیان چند به نقل از دکتر سیده جعفر، «ماستررام چندر» را اولین انشائیه‌نگار می‌داند، در صورتی که بسیاری از اهل قلم بر این امر اتفاق نظر دارند که اولین انشائیه‌نگار، وجهی است.

دکتر نورالسعید اختر مقاله‌ای در نشریه شاعر (ج ۱، ش ۵، ۱۹۷۰) تحت عنوان «اردو کا پهلانا انشائیه‌نگار» یا «نخستین مقاله‌نویس اردو» نوشته و طی آن درباره ویژگی‌های انشائیه بحث کرده و با رعایت اصولی چند ثابت کرده که اولین انشائیه‌نگار وجهی است.

اسلوب سبرس

سبرس به نثر مصنوع و رنگین نوشته شده و به سجع و قافیه نیز التزام شده است، ولی کاربرد آن طوری است که شکفتگی و سلاست را از دست نداده است. شیوه سبرس گام بسیار مهمی در ترقی نثر اردو به شمار می‌رود. زبان در آن فقط وسیله انتقال و اظهار مفاهیم نیست، بلکه وجهی بدان جنبه ادبی و ذوقی داده و با آمیزش نثر و نظم، سبکی جدید پدید آورده است.

اساساً سبرس به جهت بی‌تکلفی و حسن و زیبایی، در زمره نثرهای اولیه اردو قرار گرفته است و سخن و وجهی به نثر اردو، حسن، توانایی ادبی و تنوع می‌بخشد. وجهی از عبارات طولانی استفاده می‌کند و در کاربرد قافیه‌ها به دو یا چهار قافیه اکتفا نمی‌کند، بلکه در معرفی شخصیت‌ها و صفات آنان، قافیه‌های متعددی به کار می‌برد. «گیان چند» این را صحیح دانسته است و آن را نمود مهارت و مقصود انشایر دازانه او می‌داند.

وجهی قافیه‌ها، تشبیهات و استعارات بسیار می‌آورد و چندان پایبند

معنی آفرینی نیست. از آنجاکه وجهی **حسن و دل** - که مسجع و مقفی است - و افزون بر آن، در فارسی، نثر «ظهوری ترشیزی» (متوفای ۱۰۲۶ ه. / ۱۶۱۷ م.) را پیشرو داشته است، بعید نیست که تحت تأثیر آنها قرار گرفته باشد. موزونیت و وقار وجهی زمانی دیده می شود که وی به علت آشنایی با ادب دو زبان (فارسی و اردو) از آیات و احادیث، مکالمات و ضرب المثل به طریق مناسب استفاده می کند و جابه جا در نثرش از ضرب المثل ها و نقل های فارسی و عربی بهره می گیرد.

زبان سبرس

همان طور که اشاره شد، مولوی عبدالحق می نویسد که با نگارش **سبرس** زبان اردو نشو و نما و ترقی کرد و زبان در تحریر و روش ادبی حالت عادی و متعارف یافت. افزون بر اثرات زبان های محلی، مانند: پنجابی و مرهتی، الفاظی از زبان های دیگر وارد زبان **سبرس** شد و محاورات تازه ای در زبان آن به کار رفت که سابقه نداشت.

ویژگی دیگر **سبرس** آن است که در آن روایات فارسی و عربی برعکس روایات هندوستانی، بر تهذیب و فضای هندوستانی اثر بسیار گذاشته است. به هر حال، عظمت ادبی **سبرس** بر همگان به ویژه پژوهشگران و صاحب نظران ادب داستانی اردو کاملاً مسلم است.^(۸)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

پی نوشت ها

۱. قطب شاهیان (هند = rotob) منسوب به قطب شاه: سلسله ای است از پادشاهان که در گلکنده هند حکمرانی می کردند (۱۰۹۸-۹۱۸ ه. ق.).
- شاهان این سلسله عبارت اند از: سلطان قلی (جلوس ۹۱۸ ه. ق.)، جمشید (جلوس ۹۵۷ ه. ق.)، سبحان قلی (جلوس ۹۵۷ ه. ق.)، ابراهیم (جلوس ۹۷۵ ه. ق.)، محمد قلی (جلوس ۹۸۹ ه. ق.)، عبدالله (۱۰۲۰ ه. ق.)، ابوالحسن (جلوس ۱۰۸۳ ه. ق.). این سلسله را پادشاهان مغول هند بر انداختند. (فرهنگ معین)
۲. بهمینیان (سلاطین بهمینی = شاهان گلبرگ): سلسله ای از سلاطینی که در دکن و نواحی مجاور آن (هندوستان) از ۷۴۸ تا ۹۳۳ ه. ق. حکومت کرده اند و مؤسس این سلسله «حسن» بود که با

- عنوان علاء الدین گانگو بہمنی بر تخت نشست.
۳. انشائیہ در ادب اردو در برابر Essay بہ کار رفتہ است. (فرہنگ اردو - انگلیسی از مولوی عبدالحق)
۴. در ادب اردو بہ جای واژہ فرانسوی رمان (Roman)، ناول (Novel) متداول است.
۵. دربارهٔ تمثیل، از جملہ ر.ک: *گفتاری دربارهٔ نقد*، گراہام ہوف، ترجمہ نسرین پروینی، تہران، امیرکبیر، ۱۳۶۵، ص ۱۳۶-۱۳۰.
۶. این اثر بہ نام *گلزار حال* بہ تصحیح سیدامیرحسن عابدی و تاراچند در سال ۱۹۶۱م. جزو انتشارات علی گرہ مسلم یونیورسیتی چاپ شدہ است.
۷. اتہ، سال فوت لامعی را ۹۳۷ھ. نوشتہ است. (اتہ، ۱۳۵۶: ۲۳۹)
۸. مأخذ اصلی مقالہ حاضر کتاب *سبرس کا تنقیدی جائزہ / بررسی انتقادی سبرس / منظر اعظمی*، (دہلی، انجمن ترقی اردو، ۱۹۶۸ م.) است.
- توضیح اینکہ دربارهٔ جہی و آثار و تأثیر او در ادب اردو، و شناخت این گوہر تابناک اردو - شاعر ایرانی نژاد خراسانی الاصل - کہ با ذکر چند مأخذ، فعلاً بہ ہمین مقدار بسندہ می شود:
۱. *آشوب دل* (انتخاب *دیوان فارسی و جہی*)، مرتبہ جاوید و ششت (خطی)؛
 ۲. *احوال و نقد و جہی*، مرتبہ حیات خان سیال، لاہور، ۱۹۶۷ م.؛
 ۳. *تاج الحقایق*، نورالسعید اختر، بمبئی: ۱۹۷۰ م.؛
 ۴. *دکنی کلچر*، ہارون خان شروانی، دہلی، ۱۹۷۱ م.؛
 ۵. *سبرس*، مرتبہ مولوی عبدالحق، چاپ دوم، کراچی، ۱۹۲۰/۲۱ م.؛
 ۶. *سبرس پر ایک نظر*، سہیل بخاری، لاہور، ۱۹۶۷ م.؛
 ۷. *سبرس*، مرتبہ شمیم انہوتوی، لکھنو، مکتبہ کلیان [بی تا]؛
 ۸. *سبرس کا تنقیدی جائزہ*، احسان الحق اختر، لکھنو [بی تا]؛
 ۹. *سبرس*، حافظ محمودخان شیرانی، *اورینٹل کالج میگزین*، ج ۱۱، شمارہ پیاپی ۳۹، نوامبر ۱۹۳۴ م.، ص ۵۷-۳؛
 ۱۰. *سبرس کی ماخذ اور مماثلات*، پرفسور عزیزاحمد، رسالہ اردو کراچی، ش ۱، ج ۲۶، (جنوری ۱۹۵۹ م.)؛
 ۱۱. *قصہ حسن و دل مختلف زبانوں میں، قصہ حسن و دل در زبان های مختلف*، نورالسعید اختر، مجلہ دو ماہی شیرازہ، سری نگر، ج ۸، ش ۲، ص ۵۳-۵۲؛
 ۱۲. *قطب مشتری اور سبرس کی مصنف، ملا و جہی، مصنف سبرس و قطب مشتری*،

- نشریه سبرس، جنوری - فروری، سنه ۱۹۲۶ م.، ص ۳۲-۲۸؛
۱۳. هندوستانی ادب کی معمار ملا وجهی، (ملا وجهی، معمار ادب هندوستانی)، جاوید و ششت، دهلی، ساهتیه اکادمی، ۱۹۸۴ م.، ص ۱۲۴؛
۱۴. اسدالله وجهی کتابیات، (کتاب شناسی اسدالله وجهی) در کتاب تحقیقی نقوش از محمدعلی اثر، مدراس، ۱۹۹۳ م.، ص ۱۶۹-۱۶۱ (که بالغ بر صد اثر درباره وجهی در آن آمده است).

کتابنامه

- اته، هرمان. ۲۵۳۶ (۱۳۵۶). تاریخ ادبیات فارسی. ترجمه صادق رضازاده شفق. چ ۲. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- احسن مارهروس. ۱۹۳۰ م. تاریخ نثر اردو. اردو نثر کا آغاز و ارتقا (آغاز و ارتقای نثر اردو). بی تا. حیدرآباد دکن: مجلس تحقیقات اردو.
- اعظمی، منظر. ۱۹۸۶ م. سبرس کاتنقیدی جائزه (بررسی انتقادی سبرس). چ ۲. دهلی: انجمن ترقی اردو.
- _____. ۱۹۹۲ م. اردو مین تمثیل نگاری. چ ۲. دهلی: انجمن ترقی اردو.
- رضیه اکبر. ۱۹۸۲ م. نظم و نثر فارسی در زمان قطب شاهی. حیدرآباد دکن.
- سبرس. ۱۹۳۲ م. هند: انجمن ترقی اردو.
- شاعر (نشریه)، ج ۱. ش ۵. ۱۹۷۰ م.
- شیلدس، آ. اس. گرین. ۱۹۲۶ م. متن فارسی دستور عشاق (مقدمه). چاپ برلن.
- عزیز احمد. سبرس - کی مآخذ اور مماثلات (مآخذ و مشابہات سبرس).
- گیان چند. ۱۹۸۷ م. اردو کی نثری داستانیں، (داستان های نثری اردو)، لکهنو: اردو آکادمی.